

DOI: 10.30512/KQ.2021.15263.2878

روایت «سؤال از مصحف امام علی (علیه السلام)» در بوته نقد*

محسن دیمه کار گراب^۱

زهرا خراسانی^۲

چکیده

مصحف امام علی (ع) با ویژگی‌های منحصر به فرد تفسیری و تنزیلی آن، از دیرباز مورد توجه مفسران و دانشمندان علوم قرآنی بوده است؛ با این وجود در مصادر روایی اهل سنت روایاتی در قالب خطابه و پاسخ به سؤال راوی از آن امام همام، بدین مضمون گزارش شده است که ایشان از میراث رسول خدا (ص) جز صحیفه‌ای با مضامین محدود در اختیار ندارد. به عبارتی دیگر، وجود مصحف بی نظیر امام علی (ع)، با ویژگی‌های منحصر به فرد تفسیری و تنزیلی آن نفی شده است. با نظر به اینکه این دسته از روایات، از ارزش مصحف امام علی (ع) فروکاسته و نیز به شخصیت علمی آن امام همام خدشه وارد می‌سازد، نوشتار پیش‌رو با تکیه بر گونه‌های نقلی به منظور اعتبارسنجی این دسته از گزارش‌ها سامان یافته است. ضعف سندی، تفرد پی‌درپی در اسناد، غرابت و شذوذ، همچنین اضطراب متنی به ضمیمه تعارض با مسلمات تاریخی و روایی، تعارض با مقوله امامت و وصایت امام علی (ع) و جایگاه علمی ایشان در کنار ادله و قرائن گوناگون دیگر بی‌اعتباری و احتمال برساختگی این روایات را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

واژگان کلیدی: مصحف امام علی (ع)، کتب ششگانه، میراث نبوی، نقد سند حدیث، نقد متن حدیث.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)/

dimeh@quran.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم قرآنی مشهد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم /

zahra.khorasani.mail@gmail.com

۱- مقدمه

در بسیاری از جوامع روایی اهل سنت، روایتی به طرق متعدد از امام علی (ع)، چنین گزارش شده است: ابو جحیفه گوید: به امام علی (ع) عرضه داشتم: «هَلْ عِنْدَكُمْ كِتَابٌ قَالَ لَا، إِلَّا كِتَابُ اللَّهِ، أَوْ فَهَمَّ أُعْطِيَهُ رَجُلٌ مُسْلِمٌ، أَوْ مَا فِي هَذِهِ الصَّحِيفَةِ...» (بخاری، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳)؛ «آیا نزد شما کتابی (غیر از قرآن) هست؟ حضرت در پاسخ فرمود: در نزد ما چیزی وجود ندارد مگر کتاب خدا و فهمی که (در مورد قرآن) به مسلمانان ارزانی شده باشد و نیز آنچه در این صحیفه وجود دارد. راوی پرسید: در صحیفه چیست؟ فرمود: عقل (مقدار دیه)، (شرایط) آزادی اسیر و اینکه مسلمان به سبب قتل کافر کشته نمی شود».

بخاری گونه‌های متعدد این روایت در باب‌های «کتاب العلم»، «باب العاقل»، «باب فَكَأَنَّ الْأَسِيرَ»، «باب لَا يَقْتُلُ الْمُسْلِمُ بِالْكَافِرِ»، «باب إِيْمَ مَنْ تَبَرَّأَ مِنْ مَوَالِيهِ»، «باب حَرَمَ الْمَدِينَةَ» و «باب ذِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَجِوَارِهِمْ وَاحِدَةٌ يَسْعَى بِهَا أَدْنَاهُمْ» نقل کرده است. به‌ویژه آن را در بابی با عنوان «باب فِي الْعِلْمِ وَالْعُلُوِّ فِي الدِّينِ وَالْبَدْعِ لِقَوْلِهِ تَعَالَى يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ...» (بخاری، بی تا، ج ۲۴، ص ۹۷) گزارش نموده است؛ گویا وی این باب را در رد عقائد شیعیان یا متهم نمودن آنان به تحریف عنوان گذاری نموده است؛ چه اینکه وی شیعیان را غالی دانسته که در دینشان و در نگرش به امام علی (ع) غلو نموده و به بدعت روی آورده اند و چه بسا سر تعدد نقل این روایت از ناحیه بخاری افاده همین مطلب باشد. همچنان که نووی این روایات را تصریحی از ناحیه امام علی (ع) در بطلان دیدگاه روافض و شیعیان نسبت به امام علی (ع) و اهل بیت (ع) دانسته است: «این کلام [و استدلال] علی (ع) خط بطلانی است بر ادعای رافضی‌ها [مخالفان] و شیعیان و نیز آنچه ساخته و پرداخته‌اند بر اینکه «پیامبر (ص) از اسرار دانش و احکام دین و گنجینه‌های شریعت، موارد زیادی را تنها به علی (ع) آموخته است، بدون اینکه دیگران از آن اطلاع و آگاهی داشته باشند»، لذا اینگونه ادعاها، نامعتبر و ساخته و پرداخته‌های [اختراعات] فاسدانه‌ای است که هیچ پایه و اساسی ندارند، و این سخن علی (ع) بر ابطال آنها کافی است» (نووی، ۱۳۹۲، ج ۹، ص ۱۴۳).

نظر به تعدد نقل این روایت در مصادر کهن روایی و تعارض آن با مقام امامت امام علی (ع) و نیز مصحف بی نظیر ایشان (نک ادامه نوشتار)، این نوشتار، روایت مزبور را در بوته نقد قرار داده تا از این رهگذر اعتبار یا بی اعتباری آن نمایان گردد.

به لحاظ پیشینه نیز گفتنی است که در مقاله «مصحف امام علی (ع) از منظر قرآن پژوهان» به تاریخچه گردآوری، کتابت مصحف، ویژگی‌ها و سرانجام آن و در مقاله «نقد و بررسی روایات اهل سنت پیرامون مصحف امام علی (ع)» به اثبات جمع آوری و نگاشته شدن قرآن به دست امام علی (ع) و علل عدم پذیرش آن از سوی دستگاه حاکم در منابع فریقین پرداخته شده است، اما تاکنون تک نگاری ویژه‌ای در خصوص این روایت که سند و محتوای آن به صورت تخصصی و به تفصیل بررسی شود، سامان نیافته است.

۲- گونه‌های نقل روایت

این روایت به دو صورت از امام علی (ع) نقل شده است:

۲-۱- سؤال راوی از امام علی (ع)

در اینگونه از نقل روایت راوی از امام علی (ع) سؤال می‌کند: «هَلْ عِنْدَكُمْ كِتَابٌ؟...»؛ «آیا نزد شما کتابی (غیر از قرآن) هست؟...» (بخاری، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳). در دیگر روایات، سؤال راوی با عبارات متعددی گزارش شده است. «هَلْ عِنْدَكُمْ شَيْءٌ مَّا لَيْسَ فِي الْقُرْآنِ...»؛ «آیا نزد شما چیزی غیر از قرآن هست؟» (همان، ج ۲، ص ۴۸۹)؛ «هَلْ عِنْدَكُمْ شَيْءٌ مِّنَ الْوَحْيِ إِلَّا مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ»؛ «آیا نزد شما چیزی از وحی غیر از آنچه در کتاب الله است، هست؟...» (همان، ج ۱، ص ۱۱۱)، «أَخَصَّكُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَيْءٍ؟...»؛ «آیا رسول خدا (ص) مورد خاص و متمیزی را به شما [تعلیم] داده است؟ [مطالب و یا مسائلی را به صورت خصوصی به شما تعلیم داده است؟]» (مسلم، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۶۷).

امام علی (ع) در پاسخ فرمود: «... قَالَ لَا، إِلَّا كِتَابُ اللَّهِ، أَوْ فَهَمُّ أُعْطِيَهُ رَجُلٌ مُّسْلِمٌ، أَوْ مَا فِي هَذِهِ الصَّحِيفَةِ. قَالَ قُلْتُ: فَمَا فِي هَذِهِ الصَّحِيفَةِ قَالَ: الْعَقْلُ وَفِكَائِكُ الْأَسِيرِ، وَلَا يُقْتَلُ مُسْلِمٌ بِكَافِرٍ»؛ «در نزد ما چیزی وجود ندارد، مگر کتاب خدا و فهمی که (در مورد قرآن) به مسلمانی ارزانی شده باشد و نیز آنچه در این صحیفه وجود دارد. راوی پرسید: در صحیفه چیست؟ فرمود: عقل (مقدار دیه)، (شرایط) آزادی اسیر و اینکه مسلمان به سبب قتل کافر کشته نمی شود» (بخاری، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳). گفتنی است پاسخ امام علی (ع) نیز با اندکی اختلاف در الفاظ در دیگر روایات گزارش شده است (همان، ج ۱، ص ۱۱۱ و ج ۲، ص ۴۸۹ / مسلم، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۶۷).

۲-۲- بیان امام علی (ع) در خطبه

ابراهیم تیمی از پدرش نقل کرده است: «حَطَبْنَا عَلِيَّ عَلِيٍّ مِنْبَرٍ مِنْ أَجْرٍ وَعَلَيْهِ سَيْفٌ فِيهِ صَحِيفَةٌ مُعَلَّقَةٌ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا عِنْدَنَا مِنْ كِتَابٍ يُقْرَأُ إِلَّا كِتَابُ اللَّهِ وَمَا فِي هَذِهِ الصَّحِيفَةِ. فَنَشَرَهَا فَإِذَا فِيهَا أَسْنَانُ الْإِبِلِ وَإِذَا فِيهَا «الْمَدِينَةُ حَرَمٌ مِنْ عَيْرٍ إِلَى كَذَا، فَمَنْ أَحَدَثَ فِيهَا حَدَثًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا» وَإِذَا فِيهِ «ذِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَاحِدَةً يَسْعَى بِهَا أَذْنَاؤُهُمْ، فَمَنْ أَخْفَرَ مُسْلِمًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا» وَإِذَا فِيهَا «مَنْ وَالَى قَوْمًا بِغَيْرِ إِذْنِ مَوْلِيهِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا» (بخاری، بی تا، ج ۲، ص ۹۷)؛ «علی (ع) بر منبری از آجر بر ما خطبه می‌خواند، در حالی که [حمایل] شمشیری بسته بود و صحیفه- ای [کتابی] بر آن [حمایل ششیر] آویزان [بسته] شده بود؛ پس فرمود: «به خدا قسم از کتابی که ما قرائت می‌کنیم در نزد ما نیست مگر کتاب خدا و آنچه در این صحیفه است.» سپس آنرا باز کرد که در آن مطالبی از قبیل دیه دندان شتر آمده بود، همچنین در آن آمده که «مدینه [نیز مانند مکه] حرم است و حدود آن از [کوه] عیر تا فلان جا [کوه ثور] است، پس هرکس در آن محدوده، عملی [رفتار یا سخن ناشایستی] از او سر بزند، مورد لعنت خداوند و فرشتگان و تمامی مردم قرار خواهد گرفت، در حالی که خداوند هیچ عمل مستحب و واجبی [و یا توبه و فدیة‌ای] را از او قبول نمی‌کند.» همچنین در آن آمده که «پیمان مسلمانان یکی است و

۱. نام کوه یا موضعی بوده است.

کمترینشان از این حق برخوردار است، پس هرکس امان و پیمان مسلمانی را نقض کند، مورد لعنت خداوند و فرشتگان و تمامی مردم قرار خواهد گرفت، در حالی که خداوند هیچ عمل مستحب و واجبی [و یا توبه و فدیة‌ای] را از او قبول نمی‌کند.» همچنین در آن آمده که «هر کس [برده‌ای] خود را بدون اذن مولای خود، به قوم (یا قبیله و مولای) دیگری منتسب سازد، مورد لعنت خداوند و فرشتگان و تمامی مردم قرار خواهد گرفت، در حالی که خداوند هیچ عمل مستحب و واجبی [و یا توبه و فدیة‌ای] را از او قبول نمی‌کند» (بخاری، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۹۷).

گفتنی است گونه‌های متعدد روایت مزبور در سایر مصادر روایی اهل سنت نیز گزارش شده است (ابن حبان، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۳۰ / ابویعلی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۵۴ / ابی داود، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۳۷۸ / احمد بن حنبل، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۶۷ و ج ۲، صص ۳۰۴ و ۴۲۸ / ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۶۷۰ / ابن فتح، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۸۰ / ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۳۸، ص ۴۶).

۳- اهم اشکالات روایت سؤال از مصحف امام علی (ع)

از گونه‌های نقل این روایات اشکالات متعددی به ذهن خطور می‌کند که بی‌اعتباری آنها را نشان می‌دهد:

۱-۳- نفی وجود مصحف خاص امام علی (ع) مشتمل بر تفسیر و بیان نبوی

در روایت چنین نقل شده است که امام علی (ع) بر بالای منبر فرمود: «وَاللَّهِ مَا عِنْدَنَا مِنْ كِتَابٍ يُقْرَأُ إِلَّا كِتَابُ اللَّهِ وَمَا فِي هَذِهِ الصَّحِيفَةِ» (بخاری، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۹۷).

در این بخش از روایت، حضرت از اساس و به‌طور مطلق وجود هرگونه مصحفی، جز قرآن و مصحف مشتمل بر پاره‌ای از احکام را رد می‌کند. به عبارتی دیگر، وجود مصحف بی‌نظیر امام علی (ع)، با ویژگی‌های منحصر به فرد تفسیری و تنزیلی آن نفی شده است. مصحفی که شامل بیان نبوی، تفسیر و تأویل آیات، اسرار و معانی عمیق بوده است؛ این ویژگی‌های مصحف را نه تنها علمای شیعی، بلکه علمای اهل تسنن نیز بدان اذعان دارند:

- ابن عبدالبر درباره مصحف امام (ع) از قول ابن سیرین این‌گونه گزارش نموده است: علی (ع) قرآن را بر پایه تنزیل آن نوشته است، اگر مصحف او یافت شود علم بسیاری در آن یافت می‌شود (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۹۷۴).

- به گزارش ابن جرزی «پس از وفات رسول خدا (ص)، علی در خانه نشست و قرآن را به ترتیب نزول جمع‌آوری کرد. اگر مصحف او یافت می‌شد، در آن دانش بسیاری بود، اما یافت نشده است» (ابن جرزی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴)؛ «پس از وفات رسول خدا (ص)، علی در خانه نشست و قرآن را به ترتیب نزول جمع‌آوری کرد. اگر مصحف او یافت می‌شد، در آن دانش بسیاری بود، اما یافت نشده است».

- سیوطی نیز می‌نویسد: «اگر جن و انس گرد هم آیند تا این مصحف را تألیف کنند، هرگز نمی‌توانند» (سیوطی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۰۴).

- حاکم حسکانی نیز از حضرت علی (ع) روایت کرده است: «هر آیه‌ای که بر رسول خدا (ص) نازل شد، قرائت آن را به من یاد داد و آن را بر من املا کرد و من آن را با خط خود نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ

و منسوخ و محکم و متشابه آن را به من تعلیم داد و از خدا خواست فهم و حفظ آن را به من یاد دهد، پس حتی یک حرف از آن را فراموش نکردم» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۸).

- بلاذری نیز گزارش نموده است: ابوبکر به امام علی (ع) گفت: «از امارت من کراهت داری؟ حضرت فرمود: «نه، من سوگند یاد کرده‌ام که عبا بر دوش نگذارم تا زمانی که قرآن را جمع‌آوری کنم همانگونه که نازل شده است» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۷۸).

- هیچ حرفی حتی الف و لام از آن حذف نشده است: «هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ كَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ، لَمْ يَزِدْ فِيهِ حَرْفٌ، وَلَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ حَرْفٌ» (ابن بابویه، ۱۴۱۴، ص ۸۶/ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۹، ص ۱۷۷۹).

علم کثیر و ناتوانی جن و انس از تألیف قرآنی همانند مصحف علی (ع) در صورتی صحیح است که این قرآن حقایق فراوانی را علاوه بر متن آیات در خود جای داده باشد. مصحفی که خود پیامبر (ص) آن را به امام املا فرمود و اشتغال بر تنزیل و تأویل قرآن دارد، چنان‌که در مصادر شیعی نیز این‌گونه بیان شده است:

- امام علی (ع) به طلحه فرمود: «هر آیه که خداوند بر محمد (ص) نازل کرد و تأویل هر آیه‌ای که بر محمد (ص) نازل شد، به املائی پیامبر و خط خودم در نزد من هست» (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۶۷۵/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۶۵).

- ابوالصباح کنانی گوید: «به خدا سوگند جعفر بن محمد (ع) به من فرمود: همانا خدا تنزیل و تأویل را به پیامبرش تعلیم داد و رسول الله (ص) آن را به علی (ع) آموخت. سپس فرمود: به خدا سوگند به ما نیز تعلیم داده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۴۲).

- افزون بر آن در مصحف امام علی (ع)، حقایقی از سبب نزول و شأن نزول نیز وجود داشته است؛ مثلاً، در ذیل آیات مربوط به کافران و منافقان، نام‌های اهل حق و باطل ذکر شده بود. شواهد این ادعا در منابع روایی گزارش شده است: «این مصحف در اختیار امام رضا (ع) بود. امام آن را به «ابن ابی نصر بزنطی» امانت داد. بزنطی مصحف را گشود و نام هفتاد نفر از قریش را در تفسیر آیه ﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا...﴾ (بینة: ۱/۹۸) دید. وقتی امام از این امر آگاه شد، کتاب را از بزنطی پس گرفت» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۳۱/ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۵۲۱).

۲-۳- رویکرد حداقلی به «کتاب علی (ع)» یا جامعه

کتاب علی (ع) یا «جفر جامعه» صحیفه‌ای است که به املائی رسول خدا (ص) و خط امام علی (ع) به رشته تحریر درآمد. در این صحیفه، کلیه احکام و تکالیف شرعی وجود داشته است. اهل بیت (ع) نیز بسیار به این کتاب استناد نموده و مطالب ارزنده‌ای از آن را برای اصحاب خویش بیان داشته‌اند.

- امام صادق (ع) در روایتی خطاب به ابوبصیر فرمود: «یا ابامحمد جامعه در نزد ماست؛ ولی مردم نمی‌دانند جامعه چیست». ابوبصیر سؤال کرد: فدایت شوم، جامعه چیست؟ امام (ع) فرمود: «صحیفه‌ای است به طول هفتاد ذراع، با املائی رسول خدا (ص) که از دو لب آن حضرت برخاسته و با دستخط علی (ع) نوشته شده و تمام حلال و حرام و همه احکام مورد نیاز مردم در آن است؛ حتی دیه خراش و خطی که در

پوست بدن ایجاد شود». آنگاه امام (ع) با استیذان از ابوبصیر، بدن او را فشار داد و فرمود: «... حتی دیه چنین فشار ساده‌ای نیز اگر از راه ظلم بر کسی وارد شود، در این صحیفه آمده است...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۳۹/صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۱).

- امام باقر (ع) در روایتی به منظور رفع اختلاف در برخی از مسائل در حضور «حکم بن عیینه» و «محمد بن عذافر صیرفی»، به فرزندش فرمود: برخیز کتاب جدم امیرالمومنین (ع) را بیاور. [ابن عذافر گوید: فرزند امام، کتابی بسیار بزرگ و درهم پیچیده آورد، آنگاه امام باقر (ع) فرمود: «این کتاب، خطّ علی و املائی رسول خداست» و به آن نگاه کرد تا پاسخ مسأله مورد اختلاف را استخراج کند و خطاب به «حکم» چنین فرمود: «ابا محمد تو و سلمه و ابوالمقدام، به هر کجا می‌خواهید رو کنید؛ ولی به خدا سوگند علم مورد اعتماد را به جز در نزد [اهل بیت (ع)] کسانی که جبرئیل بر آنان نازل می‌گردید، نخواهید یافت» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۶۰).

- امام صادق (ع) فرمود: «در نزد ما علمی هست که با وجود آن نیازی به مردم نداریم و این مردم هستند که به ما نیازمند می‌باشند». امام سپس افزود: «در نزد ما کتابی با املائی رسول خدا و دستخط علی وجود دارد و این صحیفه‌ای است که تمام حلال و حرام در آن است...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۴۱/صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۴/فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۵۸۲).

«ابی اراکه» گوید: «در جایی بودیم و برخی می‌گفتند: علی بن ابی طالب (ع) شمشیر رسول خدا را ارث برده است و برخی می‌گفتند: استر آن حضرت را ارث برده است و برخی معتقد بودند که صحیفه‌ای را ارث برده است که در غلاف شمشیر حضرت رسول (ص) بود. در این هنگام امام علی (ع) وارد شد و فرمود: به خدا سوگند! اگر زمینه فراهم شود و بتوانم با شما سخن بگویم، یک سال صحبت خواهم کرد، بدون آن که مطلبی را تکرار کنم. به خدا سوگند که صحیفه‌های فراوانی از رسول خدا و اهل بیتش دارم...» (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۴۹/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۳۷).

در روایت مورد پژوهش - که به نظر می‌رسد همان «کتاب علی (ع)» است - چنین وانمود شده است که در آن تنها پاره‌ای از احکام جزئی نوشته شده است مانند: حرم بودن مدینه و حدود آن، ذمه و امان دادن مسلمان به کافر، برابری خون مسلمانان، عدم جواز قتل مسلمان در مقابل کافر و تعدادی از گناهان کبیره. مضامین محدود این صحیفه در منابع اهل سنت در مقایسه با جامعیت «کتاب علی (ع)» در روایات شیعه تأمل برانگیز است.

افزون بر آن مضامین موجود در این صحیفه در روایات منابع اهل سنت، مشابه احکام موجود در عهدنامه بین مهاجرین و انصار و یهودیان است که توسط رسول خدا (ص)، پس از ورود به مدینه در بین آنها منعقد گردید (ابن هشام، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۳۲). طوری که صبحی صالح در این باره گوید: «... چه بسا آنگاه که از علی (ع) سؤال کردند که: آیا کتابی نزد شما وجود دارد؟ فرمود: نه، مگر کتاب خدا یا فهمی که به مسلمانی اعطا شود و نیز آنچه در این صحیفه وجود دارد، سؤال شد: در این صحیفه چیست؟ حضرت گفت: عقل، آزادی اسیر و این که مسلمان به قتل کافر کشته نمی‌شود، حضرت نظری جز سخن گفتن از همان قرارداد زمان پیامبر (ص) نداشت؛ زیرا احکام جزء مهمی از صحیفه مذکور به شمار می‌رفت...». با توجه به

همانندی احکام موجود در صحیفه و عهدنامه به نظر می‌رسد روایت مورد پژوهش از ارزش و جامعیت آن مصحف، فرو کاسته است.

۳-۳- تعیین فهم عادی مسلمانان برای امام علی (ع)

امام علی (ع) در پاسخ به راوی که آیا چیزی از رسول خدا (ص) نزد شماست؟ چنین فرمودند: «نه مگر کتاب الله و فهمی که خداوند به یک مرد مسلمان می‌دهد» (... أَوْ فَهْمٌ أُعْطِيَهُ رَجُلٌ مُسْلِمٌ...).

این فراز ایهام دارد و دو احتمال از آن برداشت می‌شود؛ اول: فهم عادی یک مسلمان، دوم: فهم لدنی، اما از آنجا که فهم در روایت به مسلمان نسبت داده شده و طبعاً، عموم مسلمانان از فهم لدنی به ویژه از مراتب بالای آن بی‌بهره‌اند، احتمال اول بیشتر به ذهن خطور می‌کند، چنانکه بخاری این روایت را در نفی غلو نقل کرده است (بخاری، بی تا، ج ۲۴، ص ۹۷) که با این عنوان‌گذاری گویا تعریضی به شیعیان داشته است؛ همچنان‌که نووی این روایت را ناظر به نفی دیدگاه امامیه نسبت به جایگاه علمی امام علی (ع) دانسته است. کلام وی را در مقدمه مقاله آوردیم (نووی، ۱۳۹۲، ج ۹، ص ۱۴۳).

لذا این فراز از روایت به احتمال قوی درصدد القای این مطلب است که فهم امام علی (ع) را همانند فهم یک انسان مسلمان و عادی جلوه دهد. به عبارتی دیگر، امام علی (ع) جز قرآن کریم و فهم عادی یک مسلمان و یک صحیفه مختصر مشتمل بر روایات معدودی از رسول خدا (ص) چیز دیگری از ایشان در اختیار ندارد. با رحلت رسول خدا (ص) از آنجا که نباید معانی و معارف قرآن از بین برود، حکمت الهی اقتضا می‌کند در بین امت فردی باشد که توان و امکان تلقی و فهم همه معارفی را که رسول اکرم (ص) بیان کرده را داشته و همه معانی و معارف قرآن را از آن حضرت فراگرفته باشد. اسناد متعدد و مشهور همگی حکایت از آن دارد که چنین شخصی امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) بوده است. ایشان حتی پیش از بعثت، از کودکی در دامان پیامبر نشو و نما یافته و همواره در طول بعثت تا زمان رحلت رسول خدا (ص) ملازم آن حضرت بود. در خطبه قاصعه آمده است: «جایگاه مرا نزد رسول خدا (ص) به سبب خویشاوندی نزدیک و منزلت مخصوص می‌دانید... در هر روز از اخلاق خود پرچمی را برای من برمی‌افراشت (نکته تازه‌ای را برای من آشکار می‌کرد) و مرا به پیروی از آن وا می‌داشت. هر سال در جراء (کوهی در مکه) مجاور می‌شد و من او را می‌دیدم و غیر من او را نمی‌دیدم. در آن روز غیر از رسول خدا (ص) و خدیجه (س) و من که سومی آن دو بودم، هیچ خانه‌ای در اسلام به وجود نیامده بود. نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می‌کردم. هنگامی که وحی بر او نازل شد، ناله شیطان را شنیدم و گفتم: ای رسول خدا! این ناله، چیست؟ فرمود: این شیطان است که از عبادت خویش مأیوس گردیده است. به راستی تو آن چه را که می‌شنوم، می‌شنوی و آنچه را که می‌بینم، می‌بینی جز اینکه تو پیامبر نیستی و تو وزیری و به راه خیر می‌روی...» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱، ص ۳۹۹).

ابونعیم اصفهانی روایت کرده است: «رسول خدا (ص) فرمود: ای علی، خداوند عزوجل، به من دستور داد تو را نزد خود نگهدارم و آموزشش دهم تا بدانی؛ و این آیه نازل شد: ﴿لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أَدْنٰ﴾

وَاعِيَةً ﴿ (الحاقه: ۱۲ / ۶۹)؛ «گوش‌های شنوا قرآن را دریابند و بفهمند. تو گوش شنوای دانش هستی» (اصبهانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۶۷).

ازاین‌رو، امام علی (ع) همه معانی و معارف قرآن و تنزیل و تأویل آن را از رسول خدا (ص) فراگرفته و مانند خود آن حضرت به همه معانی و معارف قرآن آگاه بوده و توان تفسیر و تبیین همه آنها را داشته و دومین مفسر مصون از خطا بوده است. روایات فراوانی شاهد این مدعاست.

- پیامبر (ص) فرمود: «إِنَّ الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَيَّ سَبْعَةَ أَحْرُفٍ، مَا مِنْهَا حَرْفٌ إِلَّا لَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ، وَإِنَّ عَلَيَّ بَنَ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَهُ عِلْمُ الظَّاهِرِ وَالْبَاطِنِ» (اصبهانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۶۵).

- امام علی (ع) فرمود: «وَاللَّهِ، مَا نَزَّلْتُ آيَةً إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُ فِيمَا نَزَّلْتُ، وَأَيَّنَ نَزَّلْتُ، وَعَلَى مَنْ نَزَّلْتُ، إِنَّ رَبِّي وَهَبَ لِي قَلْبًا عَقُولًا وَلِسَانًا طَلْقًا» (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۲، ص ۳۳۸/۳۳۸ بلادری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۹۹).

امام علی (ع) پیوسته با پیامبر گرامی اسلام (ص) خلوت و همنشینی داشته و این همراهی و بهره‌مندی از علوم نبوی تا لحظات پایانی عمر مبارک پیامبر (ص) ادامه یافت، به‌گونه‌ای که هیچ کدام از صحابه چنین موقعیت ممتازی را دارا نبودند. امام (ع) خود در این باره می‌فرماید: «اصحاب رسول خدا (ص) می‌دانند که آن حضرت با هیچ کس جز من این کار را انجام نمی‌داد. بسا بود رسول خدا (ص) در خانه من به نزد من می‌آمد و این همنشینی بیشتر در خانه من واقع می‌شد. ... هرگاه از او سؤال می‌کردم، پاسخ مرا می‌داد و هرگاه پرسش‌هایم تمام می‌شد و سکوت می‌کردم، با من سخن آغاز می‌کرد. هیچ آیه‌ای از قرآن بر پیامبر (ص) نازل نشد، مگر این که قرائت آن را به من آموخت و آن را بر من املا کرد و من آن را با خط خودم نوشتم و تأویل و تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من تعلیم داد...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۴).

فهم ایشان را نمی‌توان مانند یک فرد مسلمان عادی دانست، حال آنکه علم همه کتاب نزد اوست چنانکه مفسران در ذیل آیه: ﴿...وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ...﴾ (رعد: ۴۳ / ۱۳) بدان اشاره کرده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۳۰۳ / حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۰۰ / قندوزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۰۷) و همگان در برابر دریای بیکران علم او، قطره‌ای بیش نیستند (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۱۲ / مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۳۶) چنان‌که اگر فهم و دانش او را بین زمینیان تقسیم کنند، همه را در بر خواهد گرفت (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۸ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۹، ص ۳۷).

با وجود روایات نبوی در توصیف امام علی (ع) نظیر: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۳ / ابن بابویه، ۱۳۹۵، ص ۳۰۷ / حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۱۸)، «أَعْلَمُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۳ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۳۸)، «أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَفْضَلُهُمْ حِلْمًا وَأَوْلَاهُمْ سِلْمًا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۳۶) و نیز اوصاف ویژه‌ای چون «مَعْدِنُ الرَّسَالَةِ» و «خُرَّانُ الْعِلْمِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۹۶). چنین اتهامی به ایشان نارواست.

۴-۳- نفی میراث نبوی نزد امام علی (ع)

محتوای روایت منعکس‌کننده این مطلب است که امام علی (ع) از میراث رسول خدا (ص) جز صحیفه ای با مضامین محدود در اختیار ندارد (در عنوان قبلی بدان پرداخته شد). بر این اساس، گمان می‌رود روایات

مذکور در مصادر روایی اهل سنت تلاشی نرم در راستای نشان دادن این باشد که امیر المؤمنین (ع) به جز صحیفه مذکور چیزی از رسول خدا (ص) در اختیار ندارد. این امر به نحو بسیار ظریف و زیرکانه‌ای وجود درع، رایه و به‌ویژه سلاح رسول خدا (ص) را - که از نشانه‌های امامت است - نزد امیرالمؤمنین (ع) نفی می‌کند، لذا او نیز تفاوت چندانی با سایر مردم از حیث برخوردار بودن از میراث نبوت ندارد و میراث علمی و میراث دیگری از رسول خدا (ص) که به نوعی برتری وی را نسبت به دیگران ثابت نماید، در اختیار ندارد. بر این اساس، رویارویی نرم روایات مذکور با روایات اهل بیت (ع) که تأکید بسیاری به میراث علمی پیامبر اکرم (ص) و وجود سلاح آن حضرت به عنوان یکی از نشانه‌های امامت نزد امام علی (ع) دارد، به خوبی نمایان است.

در آیات متعددی، از امانت‌ها و مواثقی که از پیامبری به پیامبر دیگر می‌رسد، سخن به میان آمده است و اهل بیت (ع) این آیات را به ودایع امامت، تفسیر و تأویل نموده‌اند. به عنوان نمونه، آیه ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ...﴾ (نمل: ۱۶/۲۷) به تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی که از جمله ودایع امامت هستند، تأویل و تفسیر گردیده است:

- امام صادق (ع) فرمود: «همانا سلیمان از داوود به ارث برد، محمد از سلیمان به ارث برد. و ما از محمد به ارث بریم. صحف ابراهیم و الواح موسی نزد ماست، ابوبصیر عرضه داشت: این علم است؟! حضرت فرمود: ای ابامحمد این علم نیست، بلکه آن است که روز به روز و ساعت به ساعت پدید می‌آید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۵ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۸).

- امام صادق (ع) در روایت دیگری به موسی بن اشیم فرمود: «به راستی خدا اختیاراتی به سلیمان (ع) داد و فرمود: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (ص: ۳۸ / ۳۹) و اختیاراتی هم به پیامبر خود داد و فرمود: ﴿...مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...﴾ (حشر: ۵۹ / ۷). آنچه به رسول خدا (ص) واگذار شده، آن را به ما واگذار نموده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۶۶).

در گزارش‌های فراوانی از سلاح رسول خدا (ص) به عنوان میراث امامت یاد شده است که از هر امامی به امام بعدی منتقل شده است. اهل بیت (ع) این سلاح را به منزله «تابوت» در بنی اسرائیل دانسته‌اند که آن تابوت در نزد هر که وجود داشت، نشانه‌ای ب نبوت او بود؛ همچنانکه سلاح رسول خدا (ص) نزد هر که باشد، نشانه امامت اوست. در منابع روایی، ابوابی به این دسته از روایات اختصاص یافته است: «بَابُ أَنَّ مَثَلَ سِلَاحِ رَسُولِ اللَّهِ ص مَثَلُ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۳۸ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۳).

افزون بر آن در روایات متعددی «امانات» در آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ (نساء: ۵۸ / ۴) به کتاب‌ها و سلاح‌هایی که نزد امام است و باید به امام بعد از خود بسپارد، تفسیر و تأویل شده است. کلینی بابی را با عنوان «بَابُ مَا عِنْدَ الْأَيُّمَةِ مِنْ سِلَاحِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مَتَاعِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۳۲) اختصاص داده و هفت روایت را در این رابطه گزارش می‌کند.

امام باقر(ع) در تفسیر آیه فوق‌الذکر فرمود: مقصود ما هستیم که باید امام سابق، کتب و علم و سلاح (نشانه‌های امامت) را به امام بعد از خودش بسپارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷۶).

سلاح پیامبر اکرم (ص) به امام علی(ع) به ارث رسیده بود:

- ابوبصیر از امام صادق(ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: رسول خدا (ص) در میان متاع خویش شمشیری و زرهای و زین و استر شهبائی داشت که در ترکه او بود و همه به علی بن ابی طالب (ع) به ارث رسید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۳۴ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۲۱۱). همانطور که امام علی(ع) به این فضیلت خویش احتجاج نموده‌اند:

- جابر از امام باقر (ع) نقل کرده است: «هنگامی که عمر کشته شد، امیر المؤمنین (ع) مردم را به خدا سوگند داد که شما را به خدا قسم! آیا کسی در میان شما هست که سلاح رسول خدا و مرکب و خاتم او را جز من به ارث برده باشد؟ گفتند: نه» (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۸۲ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۲۱۸).

نقل گزارش‌های تاریخی در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت مبنی بر اینکه سلاح رسول الله (ص) بعد از آن حضرت به امام علی(ع) به ارث رسیده و نه به سایرین، و عدم وجود گزارش صحیحی مبنی بر اینکه سلاح رسول الله (ص) به افرادی غیر از امام معصوم رسیده باشد، دلیل دیگری بر صحت ادعای امامان معصوم به عنوان جانشینان و میراث‌داران پیامبر اکرم (ص) است.

عصمت، برتری در علم، یقین و قدرت، معرفت، اتصال به عالم غیب و اعجاز در شمار مهمترین لوازم، کمالات و شرایط مقام امامت، خلافت و وصایت است که خداوند این امکانات و توانمندی‌ها را به هر اندازه‌ای که مصلحت دانسته، به حجج الهی پیشین عطا کرده است. بنابراین، امام وارث همه کتب، علوم، معارف، عصمت، معجزات و اتصال به عالم غیب و دیگر توانمندی‌های انبیاء، رسل و اوصیاء پیشین است. به عبارتی دیگر، تمام شئون نبوت به جز نبوت در امامت اهل بیت(ع) وجود دارد.

۵-۳- تعارض با عدم پذیرش «مصحف» از ناحیه خلفاء و تلاش برای دستیابی به آن

گزارش‌های مشهور فریقین حاکی از آنست که خلفاء در مواجهه با مصحف امام علی(ع) برخورد شدیدی نموده و مصحف آن امام همام را به هیچ وجه نپذیرفتند:

- امام علی(ع) سوگند خورد، جز برای نماز عبا بر دوش نگذارد تا زمانی که قرآن را جمع‌آوری کند. از این‌رو، از مردم کناره‌گرفت تا قرآن را گردآورد. پس از آن، قرآن گردآوری شده را نزد مردم - که در مسجد جمع شده بودند - برد. امام پس از اشاره به حدیث ثقلین، کتاب را به آنان نشان داد. خلیفه دوم برخاست و گفت: اگر نزد تو قرآنی یافت می‌شود، پیش ما نیز مانند آن هست؛ بدان نیازی نداریم. امام (ع) پس از آن که حجت را بر آنها تمام کرد، کتاب را برگرداند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «امام کتاب را برداشت و به خانه‌اش برگشت، درحالی که این آیه را تلاوت می‌نمود: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾ (آل عمران: ۱۸۷/۳)» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۵۲ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۱ / شهرستانی، ۱۳۶۸، ص ۵ / صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۹۳).

با در نظر گرفتن مطلب فوق، اگر بنا بر مفاد روایات مذکور، مصحف امام علی (ع) مانند سایر مصاحف بوده و هیچ تفاوتی با سایر مصاحف قرآنی نداشته است، این سؤالات به ذهن خطور می‌کند:

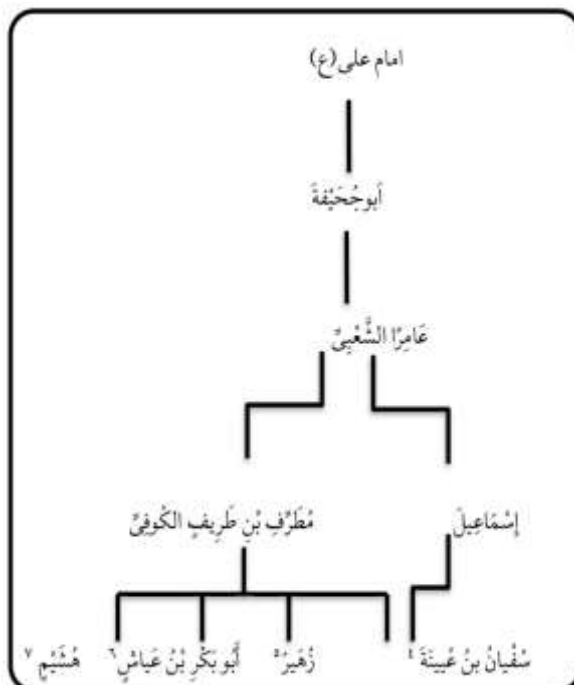
الف) چرا اسناد تاریخی و روایی بیان‌گر برخورد شدید خلفاء با مصحف امام علی (ع) است که در بدو امر به هیچ وجه نپذیرفتند، در ادامه نیز تلاش بسیاری نمودند تا این مصحف را به نحوی از امام بستانند و از بین ببرند. مانند گزارشی از «طلحه» که عمر بن خطاب کسی را نزد امام علی (ع) فرستاد که مصحف حضرت را بگیرد و به نزد عمر ببرد که حضرت مصحفشان را به آنها ندادند (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، صص ۶۵۶-۶۶۰ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، صص ۴۱-۴۲).

ب) اگر امام علی (ع) مصحفی مانند سایر مصاحف عثمانی داشته‌اند، چه نیازی به جمع قرآن از ناحیه خلفاء بوده است؟! چه جمع اول در زمان ابوبکر و عمر و چه جمع دوم در زمان عثمان؛ به بیان دیگر، وقتی که مصحف اختصاصی امام علی (ع) دقیقاً مانند سایر مصاحف عثمانی بوده است، دیگر چه ضرورتی داشته است که خلفاء در اقدامی تاریخی به جمع قرآن همت بگمارند و کشته شدن برخی از قاریان و حافظان را بهانه کنند؟! جالب آنکه از آن زمان تاکنون جمع قرآن به عنوان یکی از فضائل و اقدامات تاریخی خلفاء قلمداد گردید که رسول خدا (ص) نیز به این مهم اقدام نموده‌اند (بخاری، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۰۶ / ابی داود، ۱۴۳۰، ص ۵۶ / ابن حبان، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۳۵۹).

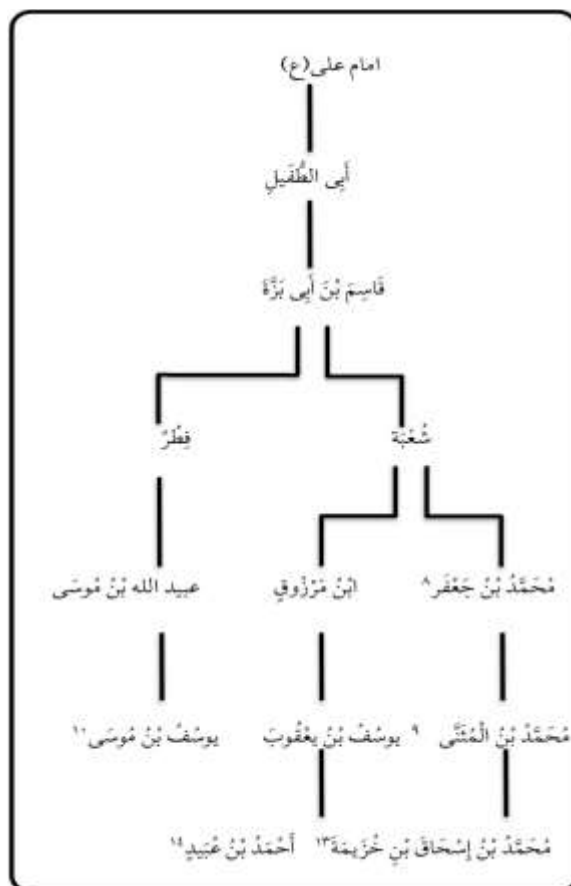
شگفت آنکه سازندگان و روایتگران این گزارش از این نکته غفلت نموده‌اند که با ثبوت همانندی مصحف امام علی (ع) با مصاحف عثمانی، جمع قرآن توسط امام علی (ع) در زمان رسول خدا (ص) و پیش از آغاز کمیته جمع قرآن ثابت می‌شود. بر این اساس، اقدام تاریخی جمع قرآن توسط خلفاء بی معنا و موازی کاری بوده است. از سوی دیگر، اگر مصحف حضرت علی (ع) ویژگی‌های خاصی داشته و متفاوت از مصاحف عثمانی بوده است، در این صورت روایات مذکور از ابوجحیفه و ابراهیم تیمی و قیس بن عباد بی اعتبار خواهد شد. همچنان‌که اقدام تاریخی جمع قرآن توسط خلفاء زدودن وحی بیانی و تبیین نبوی و یادداشت برداری های صحابه از بیان تفسیری رسول خدا (ص) است و پیاده‌سازی شعار «حُسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» در مصاحف قرآنی است که این امر خدشه به رسالت تبیینی رسول خدا (ص) دارد.

۴- تحلیل سندی

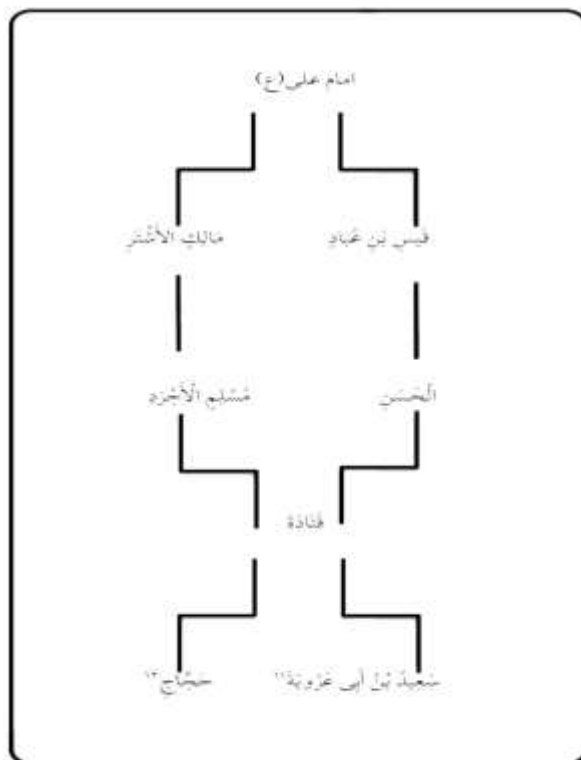
نمودار شماره ۱:



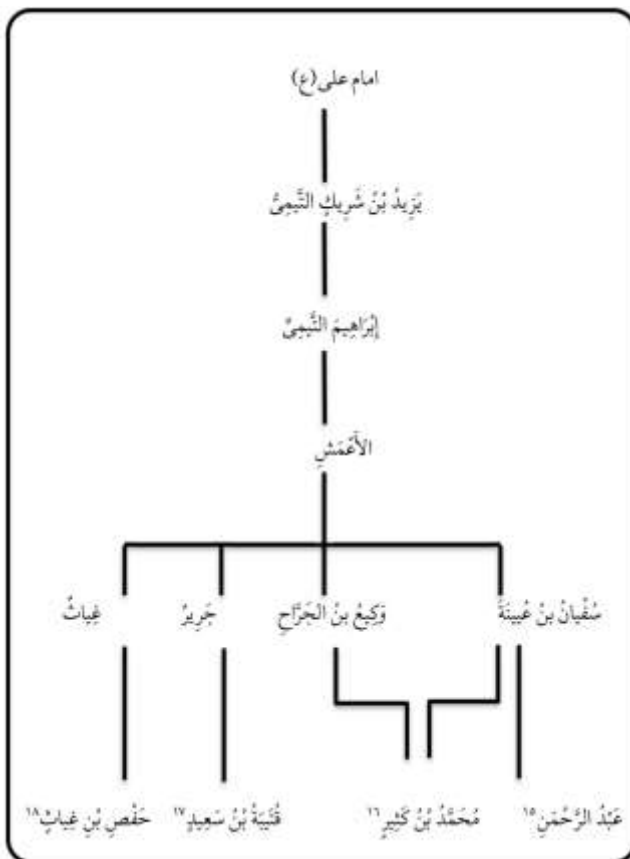
نمودار شماره ۲:



نمودار شماره ۳



نمودار شماره ۴:



در فرازهای پیش رو راویان طبقات آغازین سند مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۴-۱- ابوجحیفه

«وهب بن عبد الله بن مسلمه» مشهور به «ابوجحیفه»، از طایفه بنی سوانه بنی عامر بن صعصعه، از صحابه پیامبر (ص) و یاران امام علی (ع) بود. وی به هنگام رحلت پیامبر (ص) به بلوغ نرسیده بود. امام علی (ع) در زمان خلافت خود مسئولیت اداره شرطه و بیت المال را برعهده او نهاد و لقب «وهب الخیر» را نیز به وی اعطا نمود (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۲۸/ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۶۱۹/ ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۶۲۶). ابوجحیفه در جنگ نهروان در رکاب علی (ع) بود و به همراه او به مدائن رفت (بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۱۳). از سال ۴۰ قمری تا کشته شدن مصعب بن زبیر در سال ۷۱ قمری، کوفه درگیر فتنه‌های گوناگونی بود که نقش ابوجحیفه و موضع او در جریان آن سال‌ها در هاله‌ای از تاریکی است. او در اواخر عمر، به هنگام امارت بشر بن مروان اموی بر عراق، برخلاف تنی چند از عالمان کوفه، هدیه ارسال شده از جانب بشر را بدون مخالفت پذیرفت (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۳۱۶). وفات ابوجحیفه در امارت بشر بن مروان در کوفه واقع شد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۷۱۶).

دانشمندان شیعی وی را توثیق نموده‌اند و برقی و خوئی او را از یاران خاص حضرت علی (ع) برشمرده‌اند (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۲۰، ص ۱۶۵/ برقی، ۱۳۴۲، ص ۵/ حلی، ۱۳۴۲، ص ۳۹۴). گفتنی است یکی از روایات مهم ابوجحیفه، که در اثبات امامان دوازده‌گانه از طریق روایات اهل سنت بدان استناد می‌شود، حدیث نص پیامبر اکرم (ص) بر وجود دوازده خلیفه پس از آن حضرت است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۷۱۶).

۲-۴-۲- شعبی

«عامر بن شراحیل»، معروف به «شعبی» کوفی از اهالی «جمیر» است؛ ولی از طائفه همدان به شمار می‌آید (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۶، ص ۲۴۶). وی علامه عصر خویش بوده و او را اعلم فقها دانسته‌اند. مکحول گوید: «عالم‌تر از شعبی ندیدم» (ذهبی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۳۲)؛ لیکن در رجال امامیه به شدت تضعیف شده است؛ خوئی او را «خبیث، فاجر، کذاب و دشمن امیر المؤمنین (ع) معرفی می‌نماید» (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۱۵۲).

۳-۴-۳- مطرف

«مطرف بن طریف کوفی»، ابن حجر در «تهذیب التهذیب» او را ثقه خوانده (ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۱۵۶) و ذهبی وی را امام، محدث و قدوة توصیف کرده و روایاتی در مدح و توثیق وی گزارش نموده است (ذهبی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۵۹).

۴-۴- ابراهیم تیمی

«ابراهیم بن یزید بن شریک تیمی»، معروف به «تیم الرباب أبو أسماء» است (ذهبی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۸ / ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۶، ص ۲۸۵ / ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۴ / ذهبی، بی تا، ج ۹، ص ۶۵) و گزارش‌هایی در مدح وی نیز نقل شده است (ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۴ / ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۶، ص ۲۸۵-۲۸۶ / ذهبی، بی تا، ج ۹، ص ۶۵). ذهبی، ابراهیم تیمی را ثقة دانسته و او را با اوصافی چون فقاقت و علم ستوده است (ذهبی، بی تا، ج ۹، ص ۶۵) و ابوحاتم رازی وی را «صالح الحدیث» خوانده است (ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۴). ابن حبان در «الثقات» مراتب عبادت وی را ستوده است (ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۷). او به دست حجاج به قتل رسید (ذهبی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۸ / ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۴ / ذهبی، بی تا، ج ۹، ص ۶۵).

۴-۵- یزید بن شریک تیمی (پدر ابراهیم تیمی)

«یزید بن شریک تیمی»، چهره شناخته‌شده قوم خویش و ثقة معرفی شده است (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۵۴۹). ابن حجر وی را فقیه نام برده (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۵۴۹) و ذهبی او را از امامان کوفه برمی‌شمرد (ذهبی، بی تا، ج ۹، ص ۶۵).

۴-۶- سلیمان بن مهران (اعمش)

نام او «سلیمان»، کنیه‌اش «ابومحمد» و لقبش «اعمش» است (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۶، ص ۳۴۲). ذهبی وی را امام، شیخ‌الاسلام و شیخ‌المقرئین و المحدثین دانسته است (ذهبی، بی تا، ج ۱۱، ص ۲۸۳). به گفته خطیب بغدادی، «اعمش» محدث توانمند کوفه و نیز فردی شیعه‌مذهب بود (بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۷). خوبی در مدح وی گوید: «هیچ‌گونه شبهه‌ای درباره این که اعمش از بزرگان شیعه است، وجود ندارد. این سخن مورد اتفاق شیعه و سنی است» (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۲۰۶).

سند روایت در گونه «سؤال از امام علی (ع)»، در دو طبقه آغازین (نمودار شماره ۱- نمودار شماره ۲) و در گونه «بیان امام علی (ع) در خطبه» در سه طبقه آغازین خود (نمودار شماره ۴) دچار عارضه تفرد است، در حالی که چنین گزارشی با توجه به فضای جمع قرآن از ناحیه خلفاء و برخی مخالفت‌ها و اختلاف نظرات انتظار می‌رفت که چنین خطابه‌ای به فرض صدور به تعدد و به شهرت نقل گردد، چنان‌که اسلوب آن به خطبه‌های ماندگار آن امام همام که در مصادر روایی به‌ویژه در نهج‌البلاغه انعکاس یافته، تناسب ندارد. این روایت به لحاظ محتوایی نیز دچار عارضه تنزل معنایی است و فرازهای بعدی آن به لحاظ محتوا در سطح بسیار پایین‌تری از مضامین والای خطبه‌های معروف امام علی (ع) قرار دارد. افزون بر آن تنوع گونه‌های بیانی روایت نیز بر دشواری ارزیابی آن افزوده است، بر این اساس در خصوص روایت مزبور دو احتمال پیش‌رو قابل تصور است:

• احتمال صدور روایت: تعدد و تنوع گونه‌های بیانی آن چه بسا به دلالتی چون نقل به مضمون، ضعف حافظه، عدم ضبط دقیق از ناحیه راویان و یا ناسخان، نقل شفاهی و فاصله زمانی طولانی میان صدور تا

نگارش روایت باشد. لذا بر فرض صدور چه بسا به تناسب فضای تقیه از حضرت صادر شده باشد، به‌ویژه به منظور جلوگیری از فتنه‌انگیزی در میان امت اسلامی و آرام نمودن اختلافات و جنجال‌ها علی‌الخصوص، در ماجرای مصاحف عثمانی و جریان جمع قرآن از ناحیه خلفاء پیشین.

- لیکن با توجه به سه طبقه تفرد پی‌درپی راوی (نمودار شماره ۴) و نیز دو طبقه تفرد راوی (نمودار شماره ۱ و نمودار شماره ۳)، تنها یک گونه از این گونه‌ها بر فرض صدور، صادر شده است و گونه‌های دیگر چندان اعتبار ندارد، هرچند که تشخیص گونه اصلی صادر شده دشوار است، لیکن اجمالاً قدر متیقن مجموع گونه‌های مذکور باید ملاک و معیار قرار گیرد.

- ضمن اینکه تعدد گونه‌های بیانی، روایت مزبور را از زمره روایات آحاد و تفرد خارج نمی‌سازد، زیرا تعدد گونه‌ها برآیند نقل تفرد در سه طبقه متوالی (نمودار شماره ۴) و نیز در دو طبقه متوالی (نمودار شماره ۱ و نمودار شماره ۳) است و شهرت روایی وقتی تحقق می‌یابد که راویان متعدد باشند، همچنان‌که تنوع بیانی در عین تفرد متوالی، عارضه اضطراب متنی را پدیدار می‌سازد.

- همچنین نظر به شهرت روایات ارائه مصحف امام علی (ع) به مردم در روزهای آغازین خلافت ابی‌بکر و عدم فاصله طولانی آن تا دوران حکومت امام علی (ع) (که بنا بر شواهد و قرائن گوناگون، روایت مورد بحث در دوران زعامت حضرت صادر شده است)، و نیز تلاش معصومان بعدی به‌ویژه در فضای تقیه‌آمیز دوران حکومت بنی مروان و بنی عباس، در ارائه برخی از فرازها و بخش‌های مصحف امام علی (ع) در قالب افزودن برخی از قیدها و توضیحات تفسیری در مقام تفسیر نصوص قرآنی، احتمال صدور این روایت از امام علی (ع) حتی از باب تقیه بسیار بعید به نظر می‌رسد.

• **احتمال برساختگی روایت:** تعدد و تنوع بیانی در نوع سؤال و پاسخ به آن، نه از روی عوامل پیشین باشد، بلکه از روی ظرافت نقل از ناحیه جاعلان حدیث باشد که یک روایت همراه با تعدد گونه‌های بیانی، اغراض گوناگون سازندگان آن را نمایان سازد، اغراضی چون نفی عهد وصایت و امامت و نیز کاستن از جایگاه علمی امام علی (ع) و کم‌ارزش و عادی نشان دادن مصحف ایشان و اغراض دیگر.

- غافل از آنکه گویا سازندگان روایت و محدثان روایت‌گر بعدی به این نکته عنایت نداشته‌اند که تنوع بیانی در عین تفرد متوالی، نه تنها سبب شهرت روایی و اعتبارزایی نمی‌شود، بلکه عارضه «اضطراب متنی» و «تعارض محتوایی» را در پی دارد که این امر احتمال برساختگی آن را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

- اگرچه برخی از راویان طبقات آغازین سند در شمار شیعیان هستند، لیکن این دسته از روایات در سده سوم و چهارم از ناحیه محدثان و مصادر غیرامامی نقل شده و وجود برخی از راویان شیعه در سلسله سند سبب اعتماد محدثان امامی به این روایت نشده است. همچنان‌که گمان می‌رود این روایت از طریق اصول اربع‌مأه و مصادر اولیه و کهن امامی نیز نقل نشده باشد. ضمن اینکه سازندگان این دسته از گزارش‌ها به منظور القاء مضامین ناروایی از این قبیل، معمولاً از اسامی راویان شیعی در سند بهره می‌برند تا اعتبار روایت برساخته را نمایان سازند.

- بر این اساس، روایات پیش‌رو افزون بر تفرد در سه طبقه متوالی و نیز در دو طبقه متوالی و تفرد در مصادر غیرامامی، با توجه به تعارض آن با برخی از گزارش‌های روایی امامی و غیرامامی در خصوص مصحف

امام علی (ع) و تعارض با امامت و وصایت آن امام همام و ناهمخوانی با برخی مسلمات تاریخی، دچار «غرابت» و «شدوذ معنایی» است و «متروک بودن» روایت را بیش از پیش جلوه‌گر می‌سازد.

نتیجه‌گیری

۱. به لحاظ بررسی اسنادی، سند روایت محل بحث در گونه «سؤال از امام علی (ع)»، در دو طبقه آغازین و در گونه «بیان امام علی (ع) در خطبه» در سه طبقه آغازین خود دچار عارضه تفرد است، درحالی که چنین گزارشی با توجه به فضای صدور آن در دوران زعامت امام علی (ع) که پس از جریان جمع قرآن در زمان خلفاء بوده و بنابر برخی از گزارش‌های تاریخی همراه با برخی از مخالفت‌ها بوده، انتظار می‌رفت که چنین خطابه‌ای به فرض صدور به تعدد و به شهرت از ناحیه راویان گوناگون نقل گردد. افزون بر این اسلوب آن به خطبه‌های ماندگار آن امام همام که در مصادر روایی به‌ویژه در نهج البلاغه انعکاس یافته تناسب ندارد. با نگاهی اجمالی به محتوای این دسته از گزارش‌ها، تنزل معنایی در آن پدیدار می‌گردد، چه اینکه فزاهای بعدی روایت که به عنوان سخنان قصاری به یادگار از رسول خدا (ص) نقل شده، به لحاظ محتوا در سطح بسیار پایین‌تری از مضامین والای سخنان زیبای نبوی و خطبه‌های شناخته‌شده امام علی (ع) دارد.

۲. یکی از احتمال‌های پیش‌رو در خصوص روایت مزبور احتمال صدور روایت از باب تقیه است، به‌ویژه به منظور جلوگیری از فتنه‌انگیزی در میان امت اسلامی و آرام نمودن اختلافات و جنجال‌ها و علی‌الخصوص، در ماجرای مصاحف عثمانی و جریان جمع قرآن از ناحیه خلفای پیشین که در این صورت طبعاً تعدد و تنوع گونه‌های بیانی آن، چه بسا به دلالتی چون نقل به مضمون، ضعف حافظه، عدم ضبط دقیق از ناحیه راویان و یا ناسخان، نقل شفاهی و فاصله زمانی طولانی میان صدور تا نگارش روایت باشد. لیکن با وجود تفرد پی‌درپی در طبقات آغازین روایت، تفرد در مصادر غیرامامی، در زمره آحاد بودن آن، تحقق عارضه اضطراب متنی و تعارض محتوایی به دلیل تعدد و تشتت گونه‌های بیانی روایت، همچنین نظر به شهرت روایات ارائه مصحف امام علی (ع) به مردم در روزهای آغازین خلافت ابی‌بکر و عدم فاصله طولانی آن تا دوران حکومت امام علی (ع) و نیز تلاش معصومان بعدی به ویژه در فضای تقیه‌آمیز حکومت بنی‌مروان و بنی‌عباس، در ارائه برخی از فزاهای مصحف امام علی (ع) در قالب افزودن برخی از قیده‌ها و توضیحات تفسیری در مقام تفسیر نصوص قرآنی، احتمال صدور این روایت از امام علی (ع) حتی از باب تقیه بسیار بعید به نظر می‌رسد.

۳. اشکالاتی چون نفی وجود مصحف خاص امام علی (ع) مشتمل بر تفسیر و بیان نبوی، نفی وجود «کتاب علی (ع)»، تعیین فهم عادی عموم مسلمانان برای امام علی (ع)، بهره بسیار ناچیز ایشان از علوم و احادیث نبوی، نفی وجود میراث نبوی نزد امام علی (ع)، تعارض با عدم پذیرش «مصحف» از ناحیه خلفاء و تلاش برای دستیابی به آن، ناهمخوانی با برخی مسلمات تاریخی، «غرابت» و «شدوذ معنایی» بر این روایت وارد است که «متروک بودن» روایت بلکه احتمال بر ساختگی روایت را بیش از پیش نمایان می‌سازد. لذا ممکن است تعدد و تنوع بیانی در نوع سؤال و پاسخ به آن، از روی ظرافت نقل از ناحیه جاعلان حدیث باشد که یک روایت همراه با تعدد گونه‌های بیانی، اغراض گوناگون سازندگان آن را نمایان سازد، اغراضی

چون نفی عهد وصایت و امامت و نیز کاستن از جایگاه علمی امام علی(ع) و کم‌ارزش و عادی نشان دادن مصحف ایشان و اغراض دیگر.

۴. اگرچه برخی از راویان طبقات آغازین سند در شمار شیعیان هستند، لیکن این دسته از روایات در سده سوم و چهارم از ناحیه محدثان و مصادر غیرامامی نقل شده است و وجود برخی از راویان شیعه در سلسله سند سبب اعتماد محدثان امامی به این روایت نشده است. همچنان‌که گمان می‌رود این روایت از طریق اصول چهارصدگانه و مصادر اولیه و کهن امامی نیز گزارش نشده باشد. ضمن اینکه سازندگان این دسته از گزارش‌ها به منظور القاء مضامین ناروایی از این قبیل، معمولاً از اسامی راویان شیعی در سند بهره می‌بردند تا اعتبار روایت بر ساخته را نمایان سازند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: انتشارات دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
- نهج البلاغه؛ سیدرضی، ترجمه محمد دشتی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۱. ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکریم؛ *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*؛ بی جا: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *الأمالی*؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
 ۳. _____؛ *الخصال*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
 ۴. _____؛ *إعتقادات الإمامیة*؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.
 ۵. _____؛ *التوحید*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۹۵ ش.
 ۶. ابن جزری، شمس الدین؛ *النشر فی القراءات العشر*؛ مصر: المطبعة التجارية الكبرى، بی تا.
 ۷. ابن حبان، محمد؛ *الثقات*؛ هند: دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۹۳ ش.
 ۸. _____؛ *صحیح ابن حبان*؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ ق.
 ۹. ابن حجر، احمد بن علی؛ *الإصابة فی تمييز الصحابة*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
 ۱۰. _____؛ *تهذیب التهذیب*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۱. ابن سعد، أبو عبدالله محمد؛ *الطبقات الكبرى*؛ بیروت: دار صادر، ۱۹۶۸ م.
 ۱۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی؛ *مناقب آل أبي طالب (ع)*؛ قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
 ۱۳. ابن عبدالبر، أبو عمر یوسف؛ *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*؛ بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
 ۱۴. ابن عساکر، أبو القاسم علی بن حسن؛ *تاریخ دمشق*؛ بی جا: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
 ۱۵. ابن فتوح، محمد بن فتوح؛ *الجمع بین الصحیحین البخاری ومسلم*؛ بیروت: دار النشر، ۱۴۲۳ ق.
 ۱۶. ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن یزید؛ *سنن ابن ماجه*؛ بی جا: دار الرسالة العالمیة، ۱۴۳۰ ق.
 ۱۷. أبو یعلی، أحمد بن علی؛ *مسند أبي يعلى الموصلي*؛ دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۸. أبی داود سجستانی، سلیمان؛ *سنن أبي داود*؛ بی جا: دار الرسالة العالمیة، ۱۴۳۰ ق.
 ۱۹. _____؛ *کتاب المصاحف*؛ بی جا، الفاروق الحدیث، ۱۴۲۳ ق.
 ۲۰. أحمد بن حنبل، أبو عبدالله؛ *مسند الإمام أحمد بن حنبل*؛ بی جا: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ ق.
 ۲۱. أصبهانی، أبو نعیم احمد بن عبدالله؛ *حلیة الأولیاء*؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۵ ق.
 ۲۲. بخاری، محمد بن إسماعیل؛ *صحیح البخاری*؛ بی جا: بی نا، بی تا.
 ۲۳. برقی، احمد بن محمد؛ *رجال البرقی - الطبقات*؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
 ۲۴. بزار، أبو بکر أحمد بن عمرو؛ *مسند البزار (البحر الزخار)*؛ بیروت: مکتبة العلوم والحکم، ۱۴۰۹ ق.
 ۲۵. بغدادی، أبو بکر أحمد بن علی؛ *تاریخ بغداد*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
 ۲۶. بلاذری، أحمد بن یحیی؛ *جمل من أنساب الأشراف*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
 ۲۷. بیهقی، أحمد بن حسین؛ *السنن الكبرى و فی ذیله الجوهر النقی*؛ هند: مجلس دائرة المعارف النظامیة الکاننة، ۱۳۴۴ ق.

۲۸. ترمذی، محمد بن عیسی؛ **الجامع الصحیح (سنن الترمذی)**؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۲۹. ثعلبی، احمد بن محمد؛ **الكشف و البیان**؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۳۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله؛ **المستدرک علی الصحیحین**؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.
۳۱. حسکانی، عبید الله بن عبدالله؛ **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۳۲. حلّی، حسن بن علی بن داود؛ **الرجال**؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
۳۳. خوئی، سید ابوالقاسم؛ **معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة**؛ بی جا: بی نا، ۱۴۱۳ ق.
۳۴. دارقطنی، أبو الحسن علی بن عمر؛ **سنن الدارقطنی**؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۴ ق.
۳۵. ذهبی، محمد بن أحمد؛ **سیر أعلام النبلاء**؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، بی تا.
۳۶. _____؛ **تذکرة الحفاظ**؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
۳۷. سیوطی، جلال الدین؛ **الإتقان فی علوم القرآن**؛ مصر: هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۳۹۴ ش.
۳۸. شهرستانی، تاج الدین محمد بن عبد الکریم و همکاران؛ **مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار**؛ تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۳۹. صفار، محمد بن حسن؛ **بصائر الدرجات**؛ قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن؛ **الامالی**؛ قم: نشر دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۴۱. _____؛ **رجال الطوسی**؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۴۲. _____؛ **تهذیب الأحکام**؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۴۳. فیض کاشانی، محسن بن شاه مرتضی؛ **الوافی**؛ اصفهان: کتابخانه امام أميرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۶ ق.
۴۴. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم؛ **ینابیع المودة لذوی القربی**؛ بی جا: دار الاسوة للطباعة والنشر، ۱۴۱۶ ق.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الکافی**؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۴۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ **بحار الانوار**؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۷. _____؛ **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ ق.
۴۸. مسلم نیشابوری، مسلم بن الحجاج؛ **صحیح مسلم**؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۴۹. مفید، محمد بن محمد؛ **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۰. نجاشی، احمد بن علی؛ **رجال النجاشی**؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۵۱. نووی، ابو زکریا یحیی بن شرف؛ **المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج**؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۲ ش.
۵۲. هلالی، سلیم بن قیس؛ **کتاب سلیم بن قیس الهلالی**؛ قم: الهادی، ۱۴۰۵ ق.